

اصل سیزدهم

راستی و راست‌گویی زیربنای شناخت و اقمیت و زندگی واقع‌بینانه است. از این رو به فرزند خود جز راست نگوئیم، هر چند که هر راست را نیز نشاید گفت.



از ما بروز پیدا می‌کند، اثری پایدارتر بر کودک و نوجوان می‌گذارد. انسانها علی‌القاعده اعمال و حالات ما را زودتر از مقاصد کلامی ما درک می‌کنند. انسان حتی با کسانی که زبان مشترکی با آنان ندارد، می‌تواند با زبان حرکات و حالات ارتباط برقرار کند. از این رو باید پیوسته بدانیم که ما تنها از مجرای کلام و زبان نیست که با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم، بلکه اعمال و حالات ما نیز ابزار ارتباطی بسیار مهمی هستند که موجب تعامل ما با دیگران می‌شوند. همین نکته به ما می‌گوید که هر چه را که بسادگی بر زبانمان جاری می‌شود، به متریبی خود ارائه نکنیم، زیرا او هم قال ما را در می‌یابد و هم حال

اصول تربیت

دکتر علی اصغر احمدی

در تربیت کودک، اعمال و احساسات ما نافذتر و تأثیرگذارتر از کلام ما بر متریبی است. هر چند که زبان و کلام ابزاری بسیار مهم و ارزشمند در برقراری ارتباط ما با دیگران است، لکن کارهایی که از ما سر می‌زند، و حالاتی که

ما را می بیند و اگر این دو با یکدیگر متضاد باشند، او را دچار تزلزل و تردید می کنند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: "لِسَانُ الْخَالِ أَصْدَقُ مِنْ لِسَانِ الْمَقَالِ".^۱ یعنی زبان حالت و حال صادقتر از زبان گفتار است. اگر به متریبی خود، احیاناً دروغ بگویم، زبان حال ما و به عبارتی رنگ رخساره ما واقعیتی دیگر را به او می گوید و در این هنگام است که ما به عنوان یک مربی در نزد و نظر او تبدیل به انسانی دور و دو چهره می شویم.

دروغگویی نه تنها به جایگاه مربی در نزد متریبی لطمه وارد می کند، بلکه او را آماده می سازد که در جهت انحطاط اخلاقی گام بردارد. راستگویی کلیدی ترین فعل اخلاقی است. اگر کسی راست بگوید، سایر اعمالش را نیز پاکیزه و مُزکی نگه می دارد و کسی که دروغ می گوید از انجام هر عملی ابا نخواهد داشت. از امام کاظم - علیه السلام - و نیز از امام صادق - علیه السلام - نقل شده که فرموده اند: "مَنْ صَدَّقَ لِسَانَهُ زَكِيَ عَمَلُهُ".^۲ یعنی هر کسی که راستگو باشد، اعمالش منزّه خواهد شد.

راستگویی و تقید به آن انسان را از ارتکاب اکثر اعمال نادرست و غیر اخلاقی باز می دارد. از این روست که از حضرت علی - علیه السلام - نقل شده که فرمود: "الصُّدُقُ أَقْوَى وَهَائِمُ الدِّينِ".^۳ یعنی راستگویی قوی ترین پایه دین است و یسا "الصُّدُقُ رَأْسُ الدِّينِ".^۴ یعنی راستگویی سردین است. این احادیث بر محوریت صدق در میان همه اعمال پاکیزه انسانی تأکید دارند. اگر راستگویی را از اعمال انسانی برداریم، همه اعمال، انسجام اخلاقی

خود را از دست خواهند داد. یعنی وقتی راستگویی حذف شود، اعمال فرد تابع هیچ قاعده ای نخواهد بود و فرد هر زمان که مصلحتی اینجا باشد، اعمالش را مطابق آن مصلحت تغییر می دهد و وقتی آن مصلحت تغییر پیدا کرد، عمل او نیز تغییر می کند. ولی وقتی راستگویی بر اعمال فرد حاکم باشد، این مصالح فردی نیست که اعمال وی را تغییر می دهد، بلکه این واقعیت است که در عمل فرد متجلی می شود؛ و از آنجا که واقعیت یک چیز بیشتر نیست، عمل نیز از یکرنگی و وحدت تبعیت می کند. با غلبه راستگویی بر رفتار و اخلاق آدمی، انسان از اضطراب ناشی از فاش شدن دروغهایی که می گوید و از اضطراب ناشی از چندگانگی رفتار و کلامش رها می شود و آرامش و سکون بر او حاکم می گردد، آرامش و سکونی که هر فرد برای زندگی پاکیزه و انسانی به آن نیازمند است.

به این ترتیب:

۱- برای حفظ شأن و جایگاه خود در نزد متریبی؛

۲- برای تأمین محوری ترین عنصر دینی و اخلاقی برای متریبی؛

۳- برای فراهم آوردن زمینه لازم برای بروز شخصیت یکرنگ متریبی؛

۴- برای تأمین آرامش و سکون او؛

به او راستگویی را بیاموزیم، و این کار ممکن نیست، مگر این که خود به این عمل مقید باشیم.

از راه تقید عملی به راستگویی است که می توانیم هسته مرکزی در شخصیت کودک و

خود تنبیه کننده است و موجب می شود که او از تکرار عملی که موجب برانگیختن احساس گناه می گردد، پرهیز کند. " هنگامی که کودک معیارهای بزرگترها را درونی می کند، شکل جدیدی از تنش روانی شروع به فعالیت می کند و آن احساس گناه است. کودکان زمانی احساس گناه را تجربه می کنند که علی رغم این که می دانند درست چیست، خود را قادر به تبعیت از آن نمی بینند. " (کول و کول ۱۹۹۳)

احساس گناه در اینجا یک عنصر تربیتی است و فرد به کمک آن از تکرار عمل نامقبول اجتماعی و اخلاقی پرهیز می کند. این احساس در محیطی که مریان و بزرگترها دروغ می گویند، به وجود نمی آید.

در مورد راستگویی نکته دیگری را نیز باید مورد توجه قرار داد. قاعده راستگویی مستلزم



نوجوان را که همانا " وجدان " است، شکل دهیم. اگر وجدانی قوی در درون متربی شکل بگیرد، کنترل کننده اعمال اخلاقی او، از آن جمله کنترل کننده کلام او خواهد شد. وجدان هسته مرکزی افعال اخلاقی است. اگر وجدان بخوبی شکل بگیرد، اعمال نیز، کنترل خواهند شد، ولی اگر وجدان بخوبی شکل نگیرد، اعمال از کنترل درونی فرد خارج می شوند.

اریکسون^۶ روان شناس آلمانی الاصل معتقد است: " وجدان در درون کودک بخشی را به وجود می آورد که پیوسته به عنوان ندای درونی^۷ عهده دار مراقبت از خود^۸، هدایت خود^۹ و تنبیه خود^{۱۰} است " (اریکسون ۱۹۶۸).

در شکل گیری وجدان که کنترل اعمال انسان را بر عهده دارد، قواعد بیرونی نقشی تعیین کننده دارند. قواعد بیرونی از طریق اطرافیان و با نظامی هماهنگ و مستمر اعمال می شود. اگر قاعده ای به طور منظم و مستمر به کودک ارائه شود، کودک از طریق درونی کردن آن قاعده وجدان خود را می سازد. به عبارت دیگر بخش مهمی از وجدان، حاصل درونی کردن قواعد و هنجارهای بیرونی است. اگر قاعده ای گناه به کودک ارائه شود و گناه ضد آن به او عرضه گردد، درونی سازی آن قاعده بسادگی انجام نمی گیرد. اگر مربی بنا به مصالحی دروغ بگوید و بنا به مصالحی راست، کودک نمی تواند راستگویی را به عنوان یک قاعده و هنجار درونی کند. راستگویی مستمر مریان می تواند موجب شکل گیری درونی این قاعده اخلاقی باشد.

روان شناسان معتقدند که در اثر درونی شدن یک قاعده، وقتی کودک خلاف آن قاعده عمل کند دچار احساس گناه می شود. این احساس

کسی که هنرکتمان را بداند، از دروغ گفتن بی نیاز می شود. باید توجه داشته باشیم که در مقابل کودک نیز نباید هر آنچه را می دانیم بیان کنیم. اگر کودک سوالی می پرسد که دانستن پاسخ آن به مصلحت او نیست، یا به آن سوال پاسخ ندهیم یا این که بخشی از پاسخ را به او بگوییم که برای وی مضر نیست. به این ترتیب در تربیت، "جز راست نباید گفت، هر راست نشاید گفت."

گفتن همه چیز نیست. برخی از مطالب را نباید بیان کرد، هر چند که جز راست نیز نباید به کودک چیزی گفت. حضرت علی - علیه السلام - می فرماید: " لا تُكْ صَادِقاً حَتَّى تَكْتُمَ بَعْضَ مَا تَعْلَمُ".^{۱۲} یعنی نمی توانی راستگو باشی، مگر آن که برخی از آنچه را که می دانی کتمان کنی. انسان اگر بخواهد راستگو باشد باید هنر کتمان کردن را نیز بداند. یعنی بداند که چه چیزی را باید بگوید و چه چیزی را نباید بر زبان آورد.

منابع:

- ۱- غررالْحکْم و دررالکلم، کلمات و حکمتهای امیرالمؤمنین علی، علیه السلام.
- ۲- مجلسی، علامه محمد باقر: بحارالانوار.
- 3-COLE MICHAEL & COLE SHEIL R. (1993). THE DEVELOPMENT OF CHILDREN SCIENTIFIC AMERICAN BOOKS, NEW YORK, USA.
- 4- ERICKSON, E .H.(1968). LIFE CYCLE. IN D.L. SILLS. (ED), INTERNATIONAL ENCYCLOPEDIA OF THE SOCIAL SCIENCES (VOL . 9) NEW YORK: CROWELL , COLLIER.

پی نوشتها:

- ۱- غررالْحکْم و دررالکلم.
- ۲- بحارالانوار، جلد ۷۸، صفحه ۳۰۳.
- ۳- بحارالانوار، جلد ۷۱، صفحه ۳.
- ۴- غررالْحکْم و دررالکلم.
- 5- CONSCIENCE
- 6- ERICKSON , E. H.
- 7- INNER VOICE
- 8- SELF - OBSERVATION
- 9- SELF - GUIDANCE
- 10- SELF - PUNISHMENT
- 11- COLE, M . & COLE, S.R.
- ۱۲- بحارالانوار، جلد ۷۸، صفحه ۹.